

## الذات والكنه والحقيقة:

### ذات، كنه و حقیقت

ورد في (كتاب التوحيد) التعبير عن الذات المقدسة أنها قبله وحجاب وباب للكنه والحقيقة، وأنه سبحانه تجلّى بها لحاجة الخلق ولولاهم لما كان هناك شيء اسمه (ذات)، ولكن هل يصح لنا أن نقول: (إنّ الذات عين الكنه والحقيقة) أو (ظهور لها)، أو (هي هي وليست هي)، أو (هي شيء آخر غير الكنه والحقيقة) باعتبار ان القبلة شيء وما ترشد إليه القبلة شيء آخر.

در «کتاب توحید» از ذات مقدس (الهی) به قبله، حجاب، دروازه‌ی کنه و حقیقت تعبیر شده است و این که خدای سبحان به دلیل نیاز خلق، به وسیله‌ی آن تجلی یافت و اگر خلق نبود دیگر چیزی به اسم «ذات» وجود نمی‌داشت؛ ولی آیا این درست است که ما بگوییم، «ذات، عین کنه و حقیقت است» یا «ذات ظهور آن است» یا «آن همان است ولی همان نیست» یا «ذات چیز دیگری است غیر از کنه و حقیقت» به این اعتبار که قبله یک چیز است و چیزی که قبله به آن اشاره می‌کند، چیزی دیگر؟

### ورغم قلة الفهم، كنت قد سألت عن هذا.

من با وجود فهم و درک اندکم، در این مورد از ایشان سؤال کردم.

### فأجاب (عليه السلام) قائلاً:

وی (علیه السلام) در پاسخ فرمود:

[ الذات هي الكنه والحقيقة، والفرق بالنسبة لنا نحن وليس فرقاً حقيقياً، وهو فرق معرفي ].

«ذات همان کنه و حقیقت است ولی تفاوت (بین آنها) ناشی از خود ما است و تفاوتی حقیقی به شمار نمی‌رود. در واقع این تفاوت، معرفتی است.»

\* \* \*